

www.redterm.com
COMPUTER + FUN + SHOPPING
کامپیوتر + سرگرمی + فروشگاه

شام آخر
Last Dinner
کپی رایت :

redterm@yahoo.com
www.redterm.com
Copyright 2007

PLEASE CONTACT ME JUST THROUGH EMAIL: REDTERM@YAHOO.COM

شام آخر

لئوناردو داوینچی هنگام کشیدن تابلوی شام آخر دچار مشکل بزرگی شد: میبایست نیکی را به شکل عیسی و بدی را به شکل یهودا، از یاران مسیح که هنگام شام تصمیم گرفت به او خیانت کند، تصویر می‌کرد. کار را نیمه تمام رها کرد تا مدل‌های آرمایش را پیدا کند. روزی در یک مراسم همسرایي، تصویر کامل مسیح را در چهره یکی از آن جوانان همسرا یافت. جوان را به کارگاش دعوت کرد و از چهره اش اتودها و طرح‌هایی برداشت. سه سال گذشت. تابلو شام آخر تقریباً تمام شده بود؛ اما داوینچی هنوز برای یهودا مدل مناسبی پیدا نکرده بود. کاردینال مسئول کلیسا کم کم به او فشار می‌آورد که نقاشی دیواری را زودتر تمام کند. نقاش پس از روزها جستجو، جوان شکسته و ژنده‌پوش و مستی را در جوی آبی یافت. به زحمت از دستیارانش خواست او را تا کلیسا بیاورند، چون دیگر فرصتی برای طرح برداشتن نداشت. گدا را که درست نمی‌فهمید چه خبر است، به کلیسا آوردند: دستیاران سرپا نگاه اش داشتند و در همان وضع، داوینچی از خطوط بی‌تقوایی، گناه و خودپرستی که به خوبی بر آن چهره نقش بسته بودند، نسخه برداری کرد. وقتی کارش تمام شد، گدا، که دیگر مستی کمی از سرش پریده بود، چشم‌هایش را باز کرد و نقاشی پیش رویش را دید و با آمیزه‌ای از شگفتی و اندوه گفت: «من این تابلو را قبلاً دیده‌ام!» داوینچی با تعجب پرسید: «کی؟» -سه سال قبل، پیش از آنکه همه چیزم را از دست بدهم. موقعی که در یک گروه همسرایي آواز می‌خواندم، زندگی پر رویایی داشتم و هنرمندی از من دعوت کرد تا مدل نقاشی چهره عیسی شوم»!!!

برگرفته از کتاب «شیطان و دوشیزه یرم»، بائولو کوئیلو